

باغولها رقصیدن

Dancing With The Giants

دگرگونی فضاهاى شهري
در آثار کاریکاتوريست‌ها
اسماعيل عباسى



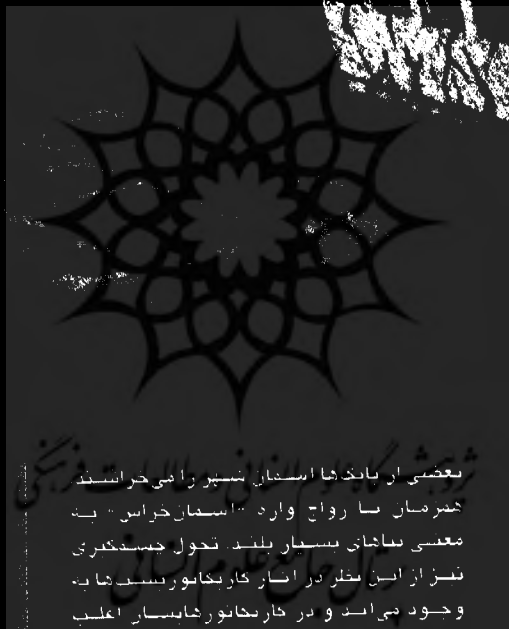
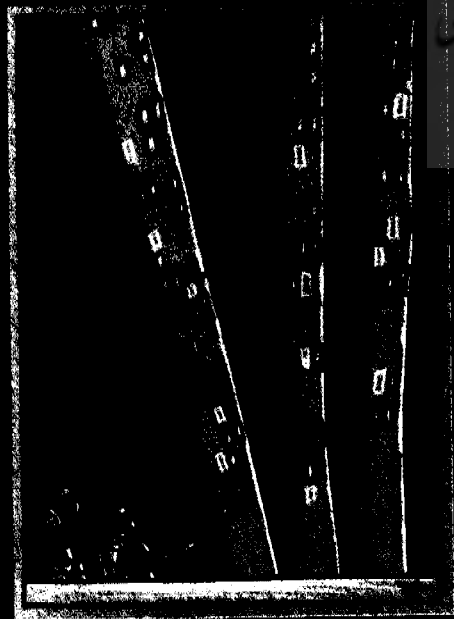
مطالعات فرهنگی
علوم انسانی

آسمان خراش‌هایی که در هیئت گول‌های بزرگی در شهرها برآمده، در آثار کاریکاتوریست‌ها با اغراق بیشتری نمایانده شده است. وودی آلن، هنرپیشه معروف فیلم‌های کمدی، در یک اظهار نظر تازه گفته است در شهرهای گول‌آسا آدم‌ها آنقدر کوچک شده‌اند که باید با ذره‌بین دنبالشان بگردیم! این گفته مبالغه‌آمیز، واقعیت‌های جدی و تکان‌دهنده‌ای را در بطن خود دارد.

در گذشته‌ای نه چندان دور، یکی از عناصر هر کاریکاتوری با موضوع و مباحث شهری، نمایش ویژگی‌های بومی یک شهر بود. البته این ویژگی‌ها با نماد یک شهر فرقی دارد. به عنوان مثال، همیشه نمی‌توان در نمایش طنز تصویری از یک شهروند پاریسی، او را کنار برج ایفل نشان داد و یا یک شهروند اهل نیویورک را در کنار تندیس بزرگ آزادی نمایاند. ویژگی‌های بومی یک شهر یا ساختار و روح معماری آن شهر معرفی می‌شود. اما اکنون حتی پیش از آن که جهانی شدن در تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌اش شکل بگیرد، یکنواختی و تشابه حیرت‌انگیز معماری شهرها به نوعی جهانی شدن را تداعی می‌کند؛ روندی که غروب ظرفیت‌های فرهنگی و ویژگی معماری شهرها را در پی دارد.

در ایران، پس از وقایع ۱۳۲۰ شمسی که موج آزادخواهی انتشار وسیع روزنامه‌ها و مجلات را به همراه آورد، کاریکاتورهای مطبوعاتی نیز در قالبی نوتر در مقایسه با دوره پیشین رواج یافت. آن‌روزها، تهران شهری بود با خانه‌های اغلب یک طبقه با بام‌های معمولی و یا سقف شیروانی و آسمانی فراخ و چشم‌اندازهای طبیعی که از هر نقطه شهر به خوبی دیده می‌شدند. ساختمان‌های بلند در محله‌های مرکز شهر حداکثر دو یا سه و به ندرت چهار طبقه داشتند، اما ارتفاع آن‌ها به اندازه‌ای نبود که افق دید را محدود و یا کور کند. بنابراین، چشم‌اندازهای شهری در آثار کاریکاتوریست‌های این دوره به همین گونه تجلی یافته است و هنرمند ناخودآگاه در اثرش عناصر انسانی را با وضوح بیشتری نسبت به فضای معماری شهرها نشان داد، زیرا خود او به عنوان یک شهرنشین، چنین احساسی داشته است که می‌توان آن را حس برتر انسانی نسبت به اشیا و ساخته‌های پیرامونی او تعریف کرد. به مرور زمان که ساختمان‌های شهر تهران به تقلید از معماری برون‌مرزی، ارتفاع می‌گیرد و بناهای بلندمرتبه مثل ساختمان پلاسکو و بعدها هتل میلتن (استقلال فعلی) و یا ساختمان





بعضی از یادگاران آسمان سپهر را می‌خراسند
خبرشان با رواج وارد "آسمان خراس" به
معنی بناهای بسیار بلند تحول جستگری
نیز از این منظر در آثار کارخانورستانها به
وجود می‌آید و در کارخانورستانها اغلب
بناهای سپهری که با آمیختن محسوسین بلندتر
می‌شوند به چشم می‌آیند در فرادستان این
بناها اثرهای تلویزیون نیز که به سازه
تجدید و بنا در سازه جدید بر یادگاران حاشیه
دیده می‌شود و در فرودست سایه‌بان تعازدنا
جلب توجه می‌کند
در مغه، نامه "توفیق" که پیش از هر سرب
تلوز دیگری در ایران سپهر و مخالفت داشته
است بازار، کوچه، باغ، یادگارانهای بازار
مساجد و کدرها نمایان سپهری اند این شهود
کار فضای اصلی را در کارخانورهای تسجیل
می‌دهد باز یاد شدن ساختمانهای بلندتر
کدام فضاهای سپهری با تغییرات جدید در



انار کاریکاتور بیست و هفتم ما نشان می‌دهد، فردهای اولیه کاریکاتور برای نواموزان "توفیق" یا این مضافات مستقل می‌شوند اما هنوز فضایی طی نشده، هویت‌های است که با حضور در طبقه دو یا سه یا سویت یک ساختمان در مرکز تهران می‌توان با عمق محله‌های مستقران و رودرنگ‌های شمالی تهران را کاوش کرد.

مجموعه انار از دوره از کاریکاتورهای تاسیس باقی‌مانده و مکتوبات ایران تا پیش از ظهور برج‌سازی به شیوه امروز، نشانگر ویژگی‌های شهر تهران با خصوصیات بومی از به مثابه یکی از پایتخت‌های خاورمیانه بود این ویژگی‌ها را امروز در انار منعکس می‌کند. شهر می‌تواند کاریکاتور بیست و هفتم معاصر باشد پس از یک دوره طولانی همکاری با "توفیق" همکاران ما با شرکات موسسه "کلاخا" همکاری دارد، می‌توان دید.

پس از رواج بلندمرتبه‌سازی تهران امروز در بستری از واقعیت‌های معماری درخشش شتاب روستای را علی می‌کند که به قول این هنرمند، معرّفی و کمی باشد تا در دستر در آسانی برج‌ها از آنجا برآید.

انار کاریکاتور بیست و هفتم تهران بیست و هفتم و نشانگر که انار در سال پیش در آمد جهانی شدن نوعی معماری مسلط بستری با کارکردهای اقتصادی و به قول برخی‌ها "بزرگ‌سی" است که ویژگی‌های بومی و معماری خودی را از جایگاه بی‌نبرد

حدود دو دهه است که در انار هنرمندان کاریکاتور معاصر ایران هر جا که بنا به مضمون، نمایش شهر با حداثه‌های شهری در مبان است چنگلی از برج‌ها فضایی اصلی را تشکیل می‌دهد. برج‌هایی که در تعلق به سطح جهانی جهان هستند و در غیر حال در همه شهرها در تهران در مبانها، نوساز و غنیه با شکل و ریخت یکسان حضور دارند بنابراین، امروزه برای نواموزان کاریکاتور بیست به هنگام کشیدن کاریکاتوری درباره فضاهای شهری، شاید تریس برای طراحی سریع تعدادی معجب یک شکل و بدخواخت با فراز دادن تعدادی پنجره‌های باز که مستطیل یا مربع شکل یکسان که می‌توان تبدیل به برج‌ها کرد. برای نمایش محله‌های شهری بسنده‌اند.

شهرهایی با این فضاهای متراکم و بدخواخت که بافت اصلی آن‌ها را آسمان‌خراش‌ها تشکیل می‌دهند، یادآورنده این نقل قول طنزآمیز از اندر د نالرو، نویسنده فقید فرانسوی است که گفته بود زندگی در میان آسمان‌خراش‌ها در حلقه رقصیدن با غول‌هاست.

